

فیلم «مجنون» که به زندگی شهید مهدی زین الدین می پردازد، تصویری واقعی از این شهید ومشی او ارائه می دهد

راه ورسم خیبری‌ها



عاتقه جعفری دبیر گروه فرهنگ

در دورانی که سینمای ایران بیش از هر زمان دیگری به سمت دغدغه‌های روزمره وموضوعات سطحی متمایل شده، پرداختن به چهره‌هایی چون شهیدزین الدین یادآور این حقیقت است که هنوز هم می‌توان در قاب تصویر از ایمان، عقلانیت وعشق سخن گفت. فیلم سینمایی «مجنون»، تلاشی صادقانه برای بازنمایی انسانی ودرین حال معنوی یکی از شاخص‌ترین فرماندهان جنگ است. روایت دقیق عملیات خیبر وفتح جزیره مجنون نقطه مهم این فیلم سینمایی است؛ جایی که فیلم از فضایی خانوادگی وعاطفی نیمه نخست خود به میدان نبرد وفداکاری جمعی رزمندگان وارد می‌شود. کارگردان با حفظ همان نگاه انسانی وپرهیز از اغراق، توانسته فضایی سخت ونفس‌گیر عملیات را به‌صورت ملموس به‌تصویر بکشد. صحنه‌های نبرد، با بهره‌گیری از نور وصدا وحرکت‌های حساب‌شده‌دوربین، حس رطوبت واضطراب مناطق آب‌گرفته هورالهورایزه را به تماشاگر منتقل می‌کند. در دل این آشوب، چهره آرام ومصمم شهید زین‌الدین، نماد ایمان وعقلانیت در میدان جنگ است. روایت فتح جزیره مجنون نه فقط به‌عنوان یک پیروزی نظامی، بلکه به‌مثابه لحظه‌ای از تجلی باور وایثار در تاریخ دفاع مقدس در فیلم حضور دارد وروح معنوی آن را کامل می‌کند. این فیلم صرفاً روایتگر رشادات‌های نظامی شهید زین‌الدین نیست، بلکه تلاش دارد تا به وجه انسانی وخاندادی او نیز نزدیک شود؛ وجهی که معمولاً در آثار جنگی کمتر دیده می‌شود. در نیمه نخست فیلم که می‌توان آن را نقطه قوت اصلی اثر دانست، کارگردان با ظرافت ودقت، فضایی زندگی شخصی شهید را ترسیم می‌کند. رابطه او با مادر، برادرانش وبه‌ویژه همسرش، به شکلی طبیعی وباورپذیر در بستر قصه شکل می‌گیرد ومخاطب را با چهره‌ای از شهید زین‌الدین آشنا می‌کند که بیش از آنکه یک فرمانده نظامی باشد یک انسان عمیق، آرام وعاشق خانواده است.

در این بخش از فیلم، بازی‌ها کنترل‌شده وصمیمی‌اند. گفت‌وگوهای میان شهید و همسرش، با لحنی گرم وانسانی نوشته شده‌اند و از شعارزدگی دور مانده‌اند، مخصوصاً لحظه خداحافظی اوبا همسرش یک‌وداع جنانانه می‌سازد. مخاطب نه با قهرمانی دست‌نیافتنی، بلکه با جوانی روبه‌روست که میان دو دنیای متفاوت در رفت‌وآمد است: دنیای عشق وخانواده ودنیای مسئولیت و جهاد. این تضاد، بعدی دراماتیک وانسانی به فیلم می‌بخشد وباعث می‌شود که ارتباط تماشاگر باشخصیت اصلی، عمیق‌تر وملموس‌تر شود. کارگردان به‌درستی از موسیقی ونورپردازی به‌عنوان دو عنصر مکمل روایت

وقتی جنگ، انسان می‌سازد



کوشا ساسانیان خبرنگار

«مجنون» روایت زندگی مرد جنگی است؛ کسی که تمام‌هم‌وغمش دفاع از میهن است؛ اما نه به‌سبک قهرمانان مارول وسوپر‌هیروهای خیالی. مهدی‌زین الدین «مجنون»، انسانی واقعی است که قابل لمس وروایت است. داستان فیلم روایت رشادت‌های حاج مهدی‌زین‌الدین وگردان ۱۱۰ علی‌بن ابی‌طالب در عملیات خیبر است؛ جایی که آن‌ها مأثور می‌شوند جزیره مجنون رافتح کنند. این روایت، برخلاف بسیاری از آثار دفاع مقدس، تمرکز خود را روی نبرد وقهرمانی مطلق نمی‌گذارد، بلکه زندگی واقعی انسان هادر شرایط جنگ را به‌تصویر می‌کشد.

علی شاه‌محمدی در اولین ساخته بلند خود نشان داده که در مقتضیات مديوم سینما آشناسات. او برخلاف بسیاری از کارگردانان سینمای ایران، تفاوت میان دکور ومیزانسنن را به‌خوبی درک می‌کند. دوربین شاه‌محمدی روایتگر است؛

استفاده کرده است. موسیقی با تمی آرام وگاه خزن‌آلود، فضای روحانی فیلم را تقویت می‌کند. در «مجنون» موسیقی به‌موقع ومتناسب با لحظه‌های عاطفی استفاده می‌شود. به‌ویژه در صحنه‌های خداحافظی یا تأمل شهید در خلوت خود، صدای ملایم سازها وریتم کند موسیقی، نوعی طمانینه‌درونی به صحنه می‌بخشد که تماشاگر را با حال درونی شخصیت همراه می‌کند. مجید انتظامی در باره ساخت این موسیقی می‌گوید: «من به پیچه‌های این فیلم خیلی علاقه‌مند شدم و خوشحال شدم که با آن‌ها کار کردم.»

یکی دیگر از نقاط قوت این فیلم نورپردازی آن است. کارگردان به‌خوبی از تضاد میان نورهای گرم خانه ونورهای سرد چپه‌بهره‌برده تا دوفضای عاطفی کاملاً متفاوت را بسازد. در صحنه‌های خانوادگی، نور درونی نارنجی ملایم حس امنیت وآرامش می‌دهد. در مقابل، در صحنه‌های چپه، رنگ‌ها به سمت خاکستری وآبی می‌روند، تا جهان بیرون را ناآرام، سخت وپراضطراب نشان دهند. این تضاد تصویری بدون نیاز به توضیح کلامی، دوغانه «عشق وجهاد» را در ذهن مخاطب شکل می‌دهد.

از منظر کارگردانی، نیمه اول فیلم از انسجام وریتم درستی برخوردار است. قاب‌بندی‌ها سساده ودرین حال دقیق هستند. دوربین بیش از آنکه بخواهد خودنمایی کند، در خدمت روایت قرار گرفته و اجازه می‌دهد تا بازی بازیگران وگفت‌وگوها بیش‌ان معنا پیدا کند. فیلم در همین نیمه نخست، موفق می‌شود بیننده را با خود همراه کند ونوعی رابطه عاطفی میان مخاطب و شهید ایجاد کند؛ رابطه‌ای که تا پایان فیلم ادامه می‌یابد.

اهمیت ساخت این فیلم در خود انتخاب‌سوژه نیز نهفته است. شهید زین‌الدین از آن دسته فر ماندگانی است که با وجود نقش تعیین‌کننده‌اش در جنگ، کمتر در سینمایا تلویزیون به او پرداخته شده است. زندگی او که آمیزه‌ای از علم، تفکر وشجاعت بود، ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به یک اثر سینمایی دارد. فیلم «مجنون» با انتخاب او به‌عنوان محور داستان، در واقع گامی در جهت بازسازی حافظه تاریخی نسل جدید برداشته است. نسلی که شاید نام شهید زین‌الدین را شنیده باشد؛ اما از عمق شخصیت ومنش او آگاهی چندانی ندارد. در شرایطی که سینمای دفاع مقدس گاه گرفتار کلیشه‌های تکراری شده، فیلم «مجنون» تلاش کرده تا این فضا را بشکند. به‌جای تمرکز صرف بر میدان نبرد، سراغ زندگی واحساسات درونی قهرمان رفته است. این رویکرد تازه وانسانی، همان چیزی است که می‌تواند سینمای دفاع مقدس را از حالت گزارش جنگ به سطح یک درام انسانی وفلسفی ارتقا دهد. شهید زین‌الدین در این فیلم نه صرفاً یک فرمانده که یک انسان در مسیر رشد ومعناست؛ انسانی که میان زمین وآسمان در رفت‌وآمد است و هر چه پیش‌تر می‌رود، از خود بیشتر می‌گذرد.

فرهنگتگ، انسان می‌سازد

حرکات بی‌جان دارد وبه اندازه به شخصیت‌هایش نزدیک می‌شود. او وارد خلوت شخصیت‌ها می‌شود، رفاقت‌ها وروابط انسانی آن‌ها را به تصویر می‌کشد وبه همین ترتیب، انسان می‌سازد. می‌انسن‌ها به شکل دقیق به انتقال حس کمک می‌کنند و با شخصیت‌ها هم‌خوانی دارند. درواقع، شخصیت باید مکان را از آن خود کند ومحیط باید با ویژگی‌های شخصیت هم‌خوانی داشته باشد. مجنون در انجام این کار تا حدودی موفق است و در مقایسه با آثار دیگر سینمای ایران، در این زمینه اثر قابل توجهی به شمار می‌رود. اما مهم‌ترین موفقیت مجنون، در فیلم‌نامه‌رخ می‌دهد. «مجنون» انسان می‌سازد؛ کاری که اکثر آثار دفاع مقدسی در سینمای ایران از انجام آن عاجزند. قهرمانان معمولی ژانر دفاع مقدس اغلب آدم‌هنی‌هایی هستند که گویی از بهشت برین فرستاده شده‌اند تا مارا نجات دهند. آن‌ها تنها می‌جنگند و خبری از ابعاد دیگر زندگی‌شان نیست. «مجنون» اما خلاف جریان شنا می‌کند وشخصیت‌هایش را واقعی وقابل لمس می‌سازد. انسان‌های فیلم تمام ابعاد زندگی‌شان دیده می‌شود؛ رفاقت، عاشق شدن، روابط خانوادگی

فیلم «مجنون» که به زندگی شهید مهدی زین الدین می پردازد، تصویری واقعی از این شهید ومشی او ارائه می دهد

طراحی صحنه ولباس متناسب با دوره زمانی است و جزئیات زندگی دهه ۶۰ را به‌خوبی بازسازی کرده است. استفاده از لوکیتهای واقعی وتوجه به بافت بصری شهر وجبهه، حس واقع‌گرایی اثر را افزایش داده است. جلوه‌های ویژه میدانی اگرچه گاهی ساده‌اند، اما در خدمت روایت هستند و از اغراق پرهیز می‌کنند. این بسادگی وسداقت در اجرا، خود به‌نوعی امضای فیلم است؛ اثری که قصد ندارد تماشاگر را با صحنه‌های پرزرق‌وبرق مجذوب کند، بلکه می‌خواهد او را در آرامش شهید شریک سازد.

نیمه دوم فیلم هرچند از نظر ریتم و انسجام نسبت به نیمه اول اندکی افت دارد، اما همچنان در کلیت خود شریف وتأثیرگذار باقی می‌ماند. در مجموع، «مجنون» فیلمی است که بیش از هر چیز از اخلاص سازندگانش سخن می‌گوید. فیلمی که بدون هیاهو، در پی بازنمایی سینمای مردی است که عقل و ایمان را در وجود خود جمع کرده بود. این فیلم نشان می‌دهد که هنوز هم می‌توان درباره قهرمانان واقعی این سرزمین فیلم ساخت، بدون آنکه به شعار یا اغراق پناه برد. در روزگاری که سینمای ما گاه از واقعیت‌های تاریخی و معنوی خود فاصله گرفته، حضور اثری چون «مجنون» امیدبخش است و می‌تواند الگویی برای فیلمسازان جوان باشد تا با نگاهی نو وانسانی به چهره‌های درخشان تاریخ معاصر بپردازند.

در پایان، انتخاب کارگردان برای نشان‌دادن لحظه شهادت زین الدین تصمیمی هوشمندانه وقابل تأمل است. در سکانس پایانی -شش ماه پس از وقایع اصلی فیلم- صحنه تشییع پیکر شهید زین‌الدین بر دوش مردم را می‌بینیم؛ جایی که دوربین، همچون آغاز فیلم، باز هم از او جا می‌ماند. این فاصله آگاهانه میان دوربین وقهرمان، به‌جای نمایش مستقیم مرگ، بر ماندگاری و اثر حضور او تأکید می‌کند. شهید زین‌الدین در نگاه فیلمساز ستاره‌ای است که رد نورش باقی می‌ماند؛ ستاره‌ای که تنها لحظه‌ای کوتاه در آسمان روایت دیده می‌شود ومیسر در امتداد تصویرهای مستند تشییع، به اسطوره‌ای آرام ودست‌نیافتنی بدل می‌شود. اگرچه هنوز جسای کار برای پرداختن عمیق‌تر به وجوه فکری وفرماندهی شهید زین‌الدین وجود دارد؛ اما همین که فیلم توانسته مخاطب را به او نزدیک کند و از قهرمان، چهره‌ای انسانی بسازد، موفقیتی بزرگ است.

فرهنگتگ، انسان می‌سازد

و اجتماعی، جهان‌بینی ومهم‌تر از همه، جنگیدن. «مجنون» قهرمانانش را تنها برای جنگ وفداکاری نمی‌سازد، آن‌ها را با تمامی دغدغه‌ها، احساسات وزندگی روزمرشان نشان می‌دهد. مخاطب وقتی شخصیت هادراد لحظات آرامش‌یابگرانی نسبت به خانواده ودوستانشان می‌بیند یاد ر لحظات رفاقت وشوخی، در می‌یابد که آن‌ها فراتر از یک سرباز یا قهرمان صرف، انسان هستند. همین جزئیات کوچک اما تأثیرگذار، فاصله میان شخصیت‌های فیلم وقهرمانان پندلایه غیرقابل لمس دیگر آثار دفاع مقدس را بر می‌کند و آن‌ها را به موجوداتی قابل همدذات‌پنداری تبدیل می‌کند. فیلم به مخاطب یادآوری می‌کند که جنگ تنها صحنه‌های درگیری وشجاعت‌فیزیکی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از تجربه‌ها، تصمیم‌ها، روابط انسانی وانتخاب‌های دشوار است. شخصیت‌های مجنون با وجود شجاعت وفداکاری، لحظاتی از ضعف، ترس تردید وحی شک راتجربه می‌کنند. این تضاد میان شجاعت وانسانیت است که باعث می‌شود قهرمانان فیلم واقعی وملموس به نظر برسند ومخاطب بتواند با آن‌ها همدذات‌پنداری کند. یکی از نکات قابل توجه فیلم، نمایش رابطه انسانی میان



فرهنگتگ، انسان می‌سازد

رزمندگان است. «مجنون» علاوه بر نشان‌دادن رشادت‌های فردی حاج مهدی زین‌الدین، روابط جمعی گردان ۱۱۰ علی‌بن ابی‌طالب را نیز به تصویر می‌کشد. شخصیت‌های فرعی نیز هرکدام با انگیزه‌ها، ترس‌ها و امیدهای خود معرفی می‌شوند و همین باعث می‌شود روایت فیلم چندلایه و پیواتر باشد. این تعامل میان شخصیت‌ها، تجربه جمعی جنگ را به شکلی ملموس به مخاطب منتقل می‌کند ونشان می‌دهد جنگ تنها نبرد یک قهرمان نیست، بلکه تجربه‌ای است که در آن هر فرد نقش واهمیت ویژه‌ای دارد. در نهایت، «مجنون» نه صرفاً روایت جنگ، بلکه روایت زندگی انسان‌هایی است که در شرایط سخت، زندگی را ادامه می‌دهند. عاشق می‌شوند، دوست می‌شوند، می‌خندند و می‌گریند. همین ابعاد انسانی، قهرمانان واقعی فیلم را می‌سازد وباعث می‌شود اثر از یک فیلم جنگی ساده به داستانی زنده وقابل لمس درباره انسانیت تبدیل شود. مجنون یادآوری می‌کند انسانیت، حتی در دل خشونت وتاریکی جنگ، باقی می‌ماند و همین است که قهرمانان واقعی را از قهرمانان افسانه‌ای متمایز می‌کند.

فرهنگتگ، انسان می‌سازد

فرهنگتگ، انسان می‌سازد

نشان می‌دهد موسیقی امروز بیش از هر زمان دیگری به سمت تولید سریع ومخاطب‌پسند حرکت کرده است. بخش عمده آثار در خدمت ریتم وفضای شبکه‌های اجتماعی‌اند و کمتر به شعر به‌عنوان یک عنصر اندیشه‌ورز نگاه می‌شود. در چنین شرایطی، ترانه از زبان احساس وتفکر جریان فرهنگ‌تر موسیقی ایران است؛ جریانی که بر معنا، شعر وعشق زبانی تأکید دارد وقطعاً مخاطبان وعلاقه‌مندان زیادی دارد. این آثار

نام قطعهٔ موسیقی	نام خواننده	نام شاعر
گندم	مسیح و آرش AP	مسیح و آرش AP
یا چی	مسیح و آرش AP	آرش AP، مسیح عرفان پناه و آصف آریا
این تو بمیری	مسیح و آرش AP	مسیح و آرش AP
تقویم یچاله	محسن یگانه	محسن یگانه
تقصیر توئه	حامیم	حامیم
عشقشو داری	حامیم	حامیم
این همه آدم	حامیم	حامیم
هنوزم	حامیم	حامیم
فوبیا	آرمین زارعی	آرمین تو ای اف ام
به تو می‌رسه	آرمین زارعی	آرمین تو ای اف ام
آلبوم بچه	فرزاد فرخ	فرزاد فرخ
قشنگ‌ترین خطا	راغب	رایبد
دلم تنگه	اشوان	اشوان و سامی شریفی
غریبه	اشوان	اشوان و سامی شریفی
دریغ	علیرضا طلپسچی	علیرضا طلپسچی
نداری از تو بهتر	علیرضا طلپسچی	علیرضا طلپسچی
بعد رفتن تو	ماکان بند	ماکان بند
توقع	امیرمقاره	امیرمقاره و شایان
صبح	امیرمقاره	حسین حافظ وامید یار
سپاه	رهام هادیان	رهام هادیان
به سرم زد	رهام هادیان	رهام هادیان
من و تو	گرشا رضایی	گرشا رضایی
مادر	گرشا رضایی	یاکاشانی
کبوتر امید	گرشا رضایی	گرشا رضایی

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان

فرهنگتگان